

هدف آفرینش

از دیدگاه کلام، فلسفه و عرفان

با رویکرد تحلیلی

محمد داداش پور

سر شناسه: داداش پوره محمد، ۱۳۶۹.

عنوان و نام پدید آور: هدف آفرینش از دیدگاه کلام، فلسفه و عرفان با رویکرد تحلیلی

مشخصات نشر: قم، پونک شهر، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.

شابک: 978-600-93635-0-6۹۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فبیای مختصر

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۱۶۹۳۵

عنوان: هدف آفرینش از دیدگاه کلام، فلسفه و عرفان با رویکرد تحلیلی

مؤلف: محمد داداش پور

ویراستار علمی: مرتضی حسینی نسب

طراح جلد: سید اکبر موسوی اعظم

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

انتشارات: پونک شهر (بخش و نشر کتاب)

مکان نشر: قم

شابک: ۹۷۸_۶۰۰_۹۳۶۳۵_۰_۶

فهرست مطالب

۱۳	 پیشگفتار
----	----------------

بخش اول

علم کلام و هدف حلقه

۲۳	 مقدمه
۲۴	 تعریف علم کلام
۲۵	 موضوع علم کلام
۲۵	 غایات و اهداف علم کلام
۲۶	 مذاهب و مکاتب کلامی
۲۶	 اصحاب حدیث
۲۷	 معتزله
۲۸	 اشاعره

۲۹ شیعه امامیه

۳۱ فصل اول: اصطلاحات مرتبط کلامی

۳۳ بررسی و تجزیه تحلیل معنای غرض و غایت در افعال

۳۶ غایت بالذات و غایت بالعرض (ضروری)

۳۸ غرض و غایت در افعال غیر ارادی

۴۰ جهان هستی در پی غایت

۴۱ عبث و بیهوده کاری

۴۱ بررسی و تحلیل کار عبث

۴۳ غرض فاعل و غرض فعل

۴۷ فصل دوم: دیدگاه اشاعره

۵۲ بیان ادله اشاعره

۵۵ نقد استدلال اشاعره

۵۹ فصل سوم: دیدگاه معتزله

۶۲ مبنای نظریه معتزله

۶۲ استدلال معتزله

۶۷ نقد نظریه معتزله

۷۱ فصل چهارم: دیدگاه شیعه

۷۴ نظریه و استدلال متکلمین شیعه

۷۷ خلاصه بخش اول

بخش دوم

فلسفه و هدف خلقت

- ۸۱ فلسفه
- ۸۲ اقسام فلسفه
- ۸۵ فصل اول: اصطلاحات مرتبط فلسفی**
- ۸۷ علّت و اقسام آن
- ۸۹ علّت فاعلی
- ۸۹ علّت غایی
- ۸۹ فاعل و اقسام آن
- ۹۲ ۱- فاعل بالطبع
- ۹۳ ۲- فاعل بالقدر
- ۹۳ ۳- فاعل بالجبر
- ۹۴ ۴- فاعل بالتقصد
- ۹۵ ۵- فاعل بالتسخیر
- ۹۶ ۶- فاعل بالعنايه
- ۹۷ ۷- فاعل بالرضا
- ۹۸ ۸- فاعل بالتجلی
- ۱۰۰ مفهوم اراده
- ۱۰۲ حقیقت اراده
- ۱۰۴ بررسی و تحلیل اراده الهی
- ۱۰۵ مفهوم اختیار

۱۰۷	تجزیه و تحلیل افعال اختیاری
۱۱۱	فصل دوم: دیدگاه حکمت مشاء
۱۱۳	نظریه شیخ الرئیس ابن سینا
۱۱۷	دفع شبهه انکار غرض
۱۱۹	تفاوت غرض و غایت در نگاه ابن سینا
۱۲۰	اراده الهی از نظر شیخ الرئیس
۱۲۲	نظریه ابن سینا و دو اشکال
۱۲۵	فصل سوم: دیدگاه حکمت اشراق
۱۲۷	نظریه شیخ اشراق
۱۲۸	اراده از نگاه شیخ اشراق
۱۲۹	اراده الهی از منظر شیخ اشراق
۱۳۶	نقد و بررسی نظریه شیخ اشراق
۱۳۹	فصل چهارم: دیدگاه حکمت متعالیه
۱۴۲	نظریه ملا صدرا
۱۴۴	افسام داعی و انگیزه
۱۴۷	فاعلیت خداوند از منظر حکمت متعالیه
۱۵۱	اراده در نگاه ملا صدرا
۱۵۳	ضرورت وجود انسان کامل در نگرش حکمت متعالیه
۱۵۵	خلاصه نظریه حکمت متعالیه درباره هدف آفرینش
۱۶۲	خلاصه بخش دوم

بخش سوم

عرفان و هدف خلقت

مقدمه	۱۶۷
فصل اول: اصطلاحات مرتبط عرفانی	۱۷۱
اسم	۱۷۳
صفت	۱۷۴
تعین	۱۷۴
تعین اول	۱۷۴
تعین ثانی	۱۷۵
تجلی	۱۷۵
الهویه المطلقة (غیب الغیوب)	۱۷۵
کمال	۱۷۵
جلاء	۱۷۶
استجلاء	۱۷۶
کمال جلاء	۱۷۶
کمال استجلاء	۱۷۷
کمال ذاتی	۱۷۷
کمال آسمانی	۱۷۸
فصل دوم: هدف آفرینش از نگاه عرفان	۱۷۹
محبی الدین ابن عربی	۱۸۱
هدف آفرینش از نگاه عرفان	۱۸۲

۱۸۴	عَلَّت آفرینش از منظر عرفا
۱۸۷	مقام انسان از منظر عرفان
۲۰۳	خلاصه بخش سوم

بخش چهارم

هدف خلقت از منظر قرآن و روایات

۲۰۷	مقدمه
۲۰۹	فصل اول: هدف داری آفرینش از دیدگاه قرآن
۲۱۵	فصل دوم: تبیین مواد
۲۱۷	نکته اول
۲۱۸	نکته دوم
۲۱۸	نکته سوم
۲۱۹	نکته چهارم
۲۲۱	فصل سوم: هدف آفرینش از منظر قرآن کریم
۲۲۴	تبیین لعب و لهو
۲۴۱	فصل چهارم: حکمت خلقت در اسلام
۲۴۳	عبادت، غایت خلق یا خالق
۲۴۵	هدف والای مخلوق
۲۴۷	درجات عبادت
۲۴۸	هدف خلقت انسان و جهان
۲۴۹	اشارات:
۲۴۹	۱. غایت خلقت

۲۵۴	۲. استنباط نهایی آیه.....
۲۵۶	۳. هدف اساسی آفرینش.....
۲۵۶	۴. ناتوانی مخلوقات از عبادت واقعی.....
۲۵۷	۵. غایت عبادت.....
۲۵۹	حکمت حیات در اسلام.....
۲۵۹	اهداف سه‌گانه حیات.....
۲۶۰	۱. عبادت خداوند سبحان.....
۲۶۱	۲. عبودیت.....
۲۶۱	۳. مظهر ربوبیت و ولایت حق.....
۲۶۲	هدف زندگی انسان در قرآن.....
۲۶۷	فصل پنجم: هدف خلقت در روایات.....
۲۷۰	پیامبر و امام، هدف خلقت.....
۲۷۲	حیات در جوامع روایی.....
۲۷۶	خلاصه بخش چهارم.....

بخش پنجم

بررسی تطبیقی و تحلیلی آراء

۲۸۱	مقدمه.....
۲۸۱	جمع‌بندی آراء.....
۲۸۴	نقد و بررسی.....
۲۹۳	فهرست منابع.....

پیشگفتار

حمد و سپاس بی‌کران، خدایی را که آدمی را در جهل و بی‌خبری، به خود وانگذاشت و در وجودش قوه عاقله و نیروی تفکر نهاد و برای راهنمایی او در فراز و نشیب‌های زندگی، هدایت‌گرانی پاک و معصوم قرار داد تا انسان راه از چاه تشخص داده و به سوی کمالات طی طریق نماید و با همت و تلاش مضاعف، نفس خویش را به سوی جایگاه خلیفه‌اللهی نزدیک کند.

ما انسان‌ها اگر در اعماق تاریک تاریخ نظر کنیم درمی‌یابیم که حتی در آن اعماق انسان‌ها با طلوع خورشید از خواب برمی‌خاستند و با خوردن، آشامیدن، و کار کردن و... روز خود را به پایان می‌رساندند و با تاریک شدن روز و آمدن شب به بستر خواب می‌رفتند و هر روزشان تکرار روز گذشته بود.

البته به‌طور قطع در گیرودار این تکرارها، عشق‌ها ورزیدند و نفرت‌ها، دوستی‌ها دیدند و دشمنی‌ها، جنگ‌ها کردند و صلح‌ها، غم‌ها داشتند و شادی‌ها... تا اینکه دفتر حیاتشان بسته می‌شد؛ اما با کمی تفکر در جریان زندگی و آفرینش این سؤالات به ذهن هر انسان خطور می‌کند که «از کجا آمده‌ام؟ برای چه آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟»

روزها فکر من این است و همه شب سختم * که چرا غافل از احوال دل خویشتن
مانده‌ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا * یا چه بودست مراد وی از ین ساختم
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود * به کجا می‌روم آخر نمایمی وطنم
اینها سؤالاتی است که انسان گهگاه در طول زندگی خود مطرح می‌کند و
گمان نمی‌رود سؤالاتی اصیل‌تر و اساسی‌تر از اینها برای انسان در سیر
تاریخی‌اش عنوان شده باشد.

بسیاری از آیات قرآن انسان‌ها را به تدبیر و اندیشه در خلقت آسمان‌ها و
زمین و تعاقب شب و روز و امی دارد تا هر فردی از افراد انسانی به اندازه
استعداد و توانایی خود اسوار آفرینش را دریابد، و به‌راستی که نگرش دقیق
و خالی از هرگونه پیش‌داوری به آسمان‌ها و زمین، آدمی را با نظام
حیرت‌آور حاکم بر آنها آشنا می‌کند؛ نظامی که مطالعه دقیق آن انسان را به
هدف‌داری عالم آفرینش آگاه می‌سازد؛ مانند آیه کریمه‌ی:

«انْ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي
الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ
السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۱
«مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، آمدورفت و شب و روز، برای
صاحبان عقل و اندیشه آیاتی است، صاحبان عقل و اندیشه کسانی هستند
که خدا را در حال ایستادن و نشستن و آن هنگام که بر پهلو خوابیده‌اند، به
یاد می‌آورند، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند، [و می‌گویند]:
بارالها، این [عالم] را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی تو، ما را از عذاب آتش نگاه
دار.»

روایاتی که از مفسران حقیقی قرآن کریم - ائمه معصومین (علیهم السلام) - به ما رسیده نیز انسان‌ها را به تفکر و پاسخ دادن به سؤالات اساسی درباره خلقت دعوت می‌کند. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «رحم الله امرء عرف من أين و فی أين و الی أين.» «خداوند رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده و در کجا هست و به کجا می‌رود.»^۱

روشن است که دعای حضرت شامل کسانی می‌شود برای این سه سؤال پاسخ درستی پیدا کنند و مسیر زندگی خویش بر طبق آنها انتخاب کنند.

سانتیهلر در مقدمه «علم الاخلاق» از ارسطو چنین نقل می‌کند:

«آن‌کس با خود به مبارزه برخاسته است که نمی‌خواهد بداند از کجا آمده است؛ و آن ایده‌آل مقدس که بایستی نفس خود را برای رسیدن به آن ایده‌آل تربیت نماید، چیست؟»

نکته مهم در سخن ارسطو این است که وی رابطه دقیقی میان علم به هدف آفرینش و تربیت و سازندگی انسان برقرار می‌کند.

شکی نیست که اساسی‌ترین مسئله در تربیت، وجود آرمان و ایده‌آل است؛ زیرا تنها با داشتن آرمان و هدف است که انسان می‌داند چه باید بشود و ناگزیر چه باید بکند. و سؤال اساسی اینکه کدامین آرمان می‌تواند برای انسان مفیدتر از فلسفه آفرینش باشد؟

چنانچه جناب عمر خیام هم این گونه از معمای آفرینش سخن می‌گویند:

از آمدنم نبود گردون را سود * وز رفتن من جلال و جاهش نفزود

۱. سید حیدر آملی. جامع الاسرار و منبع الانوار، صفحه ۴۸۶

۲. محمد تقی جعفری. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، جلد ۱، صفحه ۵۸۸

وز هیچ‌کسی نیز دو گوشم نشنود ❖ کاین آمدن و رفتنم از بهر چه بود
مشاهده جهانی هستی با آن وسعت و نظم و هماهنگی دقیق که بر تمام
اجزای آن حکم فرماست، هر انسان اندیشمندی را به شگفتی وامی‌دارد و
همین حیرت در هستی است که انسان را به اساسی‌ترین سؤال از دستگاه
خلقت می‌کشاند.

ژان فوارستی، اقتصاددان آلمانی چنین می‌گوید: «هر چه ترقی بیشتر
می‌شود این سؤال برای او (انسان) مطرح می‌شود که چرا به دنیا آمده و چرا
باید بمیرد و منظور از این آمدن و رفتن چیست؟»^۱

این سخن از دیدگاه یکی اقتصاددان، که در شناسایی‌های خود تنها به
مسائل مادی می‌اندیشد، قابل ملاحظه است که می‌گوید؛ هر چه ترقی مادی
انسان بیشتر می‌شود و انسان بر طبیعت تسلط می‌یابد و نیروهای آن را
تسخیر می‌کند و به رفاه بیشتر می‌رسد باز هم سؤال از هدف آفرینش مطرح
است و این ترقی‌ها مادی نمی‌تواند جای آن را بگیرند و این نیاز اساسی
انسان را ارضاء کند.

الین کارول کارکالیس می‌نویسد:

«بشر در طول تاریخ، همیشه با خود اندیشیده از کجا آمده‌ام؟ برای چه
آمده‌ام؟ به کجا خواهم رفت؟ صدها کتاب ماوراءالطبیعه در این سه سؤال
بحث کرده‌اند. معمای وجود چیز تازه‌ای نیست و از بدو خلقت موردنظر
بوده و بشر در حل آن کوشیده است.»^۲

۱. محمد باقر نجفی، ایدئولوژی الهی و بیشتازان تمدن، صفحه ۲۷۱

۲. احمد آرام و امین مجتهدی، اثبات وجود خدا، صفحه ۱۹۷

کارکالیتس به این نکته به خوبی توجه کرده که سؤال از فلسفه آفرینش و هدف خلقت سؤال تازه‌ای نیست و همواره برای انسان‌ها مطرح بوده است. از همین جاست که می‌گوییم این سؤال ریشه درون‌ذاتی دارد نه بیرون‌ذاتی. مطالعات و تحقیقات فراوانی هم که برای شناخت معمای آفرینش انجام گرفته حاکی از ارزش و اهمیت آن است. در اینجا باید یک سؤال را مطرح کرد و آن اینکه آیا بشر در سیر تاریخ خود به جواب صحیح و منطقی سؤالات مطرح شده رسیده است یا نه؟

در پاسخ به این سؤال باید بسیار تأمل کرد؛ زیرا اگر بگوییم آری، پس با اینهمه نفی‌های زندگی و همتی که در طول تاریخ وجود داشته چه کنیم؟ و اگر جواب نه را بر زبان جاری سازیم در برابر وجدان تاریخ که انسان‌هایی را نشان می‌دهد که واقعا طعم واقعی فلسفه زندگی را چشیده‌اند شرمنده خواهیم شد.

پس بهتر آن است که بگوییم به جز اندکی محدود، اکثریت قریب به اتفاق انسان‌ها به پاسخ صحیح و اساسی سؤالات معمای آفرینش نرسیده‌اند.

همچنین بدون هیچ مبالغه‌ای باید گفت که یکی از اساسی‌ترین علل دردهای بشری نیز در کلیه ادوار تاریخ، بی‌توجهی و بلکه عدم دسترسی به پاسخ همین مسائل بوده است.

از آنجایی که این موضوع در قلمرو تحقیقات فلسفی است نه کاوش‌های علمی ناگزیر فلسفه باید در این باره به بحث و بررسی بپردازد. اما آیا فیلسوفان تا به حال در این باره به گونه‌ای اساسی اندیشیده و راه به جایی برده‌اند؟ در بین متفکران گذشته و معاصر، صرفاً عده معدودی کوشیده‌اند تا از محدوده شناخت‌های انتزاعی فلسفی بیرون آمده و به بررسی این مسئله

پیردازند. جای شگفت نیست اگر گفته شود که یکی از علل اساسی شکست مکاتب بشری از همین جا ناشی شده که پاسخ صحیح و قانع‌کننده‌ای برای این سؤالات اساسی به بشریت ارائه نکرده‌اند.

اگر می‌بینیم که امروزه آثار فیلسوفانی، نظیر سارتر، هایدگر و کی برکه گارد مورد استقبال عموم قرار می‌گیرد، یکی از دلایل آن این است که این فیلسوفان اگزیستانسیالیستی، می‌خواهند پاسخگوی معمای آفرینش و مسائل مربوط به زندگی باشند؛ و به عبارت دیگر، موقعیت انسان را در هستی روشن سازند تا انسان بتواند با ایده‌آل خویش راه خود را انتخاب کند.^۱

برای روشن‌تر شدن موضوع کتاب باید گفت، وقتی انسان افعال و اعمال فاعل‌های دارای شعور و اراده که مجهز به قوا و وسایل تأمین نیازها و رفع نقایص است را ملاحظه نموده و مورد دقت و مطالعه قرار می‌دهد به این نتیجه و نکته دقیق پی می‌برد که هر کار و عملی که از اینگونه فاعل‌ها سر می‌زند، دارای غرض، هدف و غایتی است؛ و از آنجا که خداوند متعال فاعل دارای شعور و اراده است، بطور قطع باید افعالش از غرض و آرمان والایی برخوردار باشد. از سویی دیگر از آنجایی که تمامی اغراض و اهداف برای استكمال و رفع نقص و کاستی و برآورده شدن حاجت فاعل می‌باشد، از این منظر، حکم مذکور را نمی‌توان در مورد ذات لایزال حق و غنی مطلق جاری کرد. به عبارتی از آنجایی که بنابر نظر محققین و اندیشمندان علوم اسلامی، نمی‌توان افعال الهی را خالی از غرض دانست؛ زیرا که فعل بی‌هدف و غایت، پوچ و بیهوده می‌باشد و فاعلیت خداوند حکیم از فعل

پوچ و بیهوده منزّه است. از سویی دیگر غایت و غرض پروردگار از افعالش بویژه خلقت جهان، بسیار بلند مرتبه‌تر و شریف‌تر از اهدافی است که فاعل‌هایی مانند انسان نسبت به کارهایشان دارند.

با در نظر داشتن آنچه تاکنون گفته شد و از طرفی با عنایت به نیاز جامعه بویژه نسل جوان و تحصیلکرده امروز به پاسخ این‌گونه مسائل که آفرینش از چه هدف و آرمانی برخوردار و آفریدگار آن به دنبال چه هدفی است، ضرورت انجام چنین تحقیقی قدری روشن می‌نماید. به علاوه به این دلیل که تاکنون مطالعه و پژوهش منسجم و نظام‌مندی که به صورت تطبیقی در سه حوزه کلام، فلسفه، عرفان در موضوع مزبور به طور مستقل از جانب محققین منتشر نشده و یا حداقل در دسترس نیست، لذا پژوهشی دقیق و منظم در سه حوزه مذکور با بیان کامل و جامعی که نقاط اشتراک و افتراق را به‌خوبی بیان کند ضروری به نظر می‌رسد.

به منظور تبیین مباحث کتاب، گفتنی است که منظور از نگاه کلام، فلسفه و عرفان؛ مطالعه دقیق و بررسی اقوال صاحب‌نظران آن مکاتب است؛ مثلاً قول ابن سینا در فلسفه مشاء و قول شیخ اشراق در فلسفه اشراق و قول ملا صدرا در حکمت متعالیه؛ و در علم کلام و رأی اشاعره با استناد به اقوال قاضی عبدالرحمن ایجی و در کلام معتزله آراء عبدالجبار معتزلی و در کلام شیعه نظرات شیخ طوسی (ره) و شیخ مفید (ره) و در عرفان نیز قول ابن عربی مورد بحث و تدقیق قرار می‌گیرد.

در پایان اینکه تلاش نویسنده بر این بوده تا کتابی وزین با کاستی‌های کمتر نوشته شود؛ اما تشخیص اینکه تا چه حد در این راه موفق بوده، بر عهده صاحب‌نظران است. امیدوارم که صاحب‌نظران تنها به نقد اکتفا نکنند،

۲۰ ■ هدف آفرینش از دیدگاه کلام، فلسفه و عرفان با رویکرد تحلیلی

بلکه با ارائه نظرات و پیشنهادهاى خود، راهگشای مؤلف باشند. چرا که اگر کتاب، نشر دیگری پیدا کرد، به گونه‌ای بهتر و کامل‌تر منتشر شود.

محمد داداش‌پور

قم - تیرماه ۱۳۹۳ شمسی

www.ketab.ir